

## درس شماره ۲: ویرگول یا کاما (،) نشانه وقف یا درنگی کوتاه

در یک قاعده کلی می‌توان گفت هر جا که گوینده یا نویسنده در نوشتار خود (با هر نیتی که دارد) مکث می‌کند و بدین سان جزئی از اجزای جمله را از اجزای دیگر آن جدا می‌سازد، ویرگول نهاده می‌شود.

پس از این قاعده کلی می‌توان گفت که ویرگول در موارد زیر به کار می‌رود:

● پس از منادا، مانند: گفت: «ای پسر، خیال محال از سر به در کن».

● برای جدا کردن و در عین حال ایجاد ارتباط میان اجزای هم‌پایه در یک جمله، مانند:

- اجزای اسمی: سرداران، برادران، خواهران، به شهر ما خوش آمدید.

- اجزای وصفی: مردی آزموده، جهان دیده، تلخ و شیرین روزگار چشیده.

- اجزای قیدی: شب و روز، تنها یا در جمع، آشکارا و نهانی، یاد خدا می‌کرد.

● پس از عبارت قیدی اول جمله و پیش و پس از آن (در میان جمله).

پس از وقوع زلزله، سازمان‌های امدادی دست به کار شدند.

در حال پوشیدن کفش‌هایش، با عجله تمام، غذایش را هم می‌خورد.

● برای جدا کردن بدل و جملات معترضه. مانند:

سعدی، شاعر شیرین سخن شیراز، در نظامیه بغداد درس خواند.

● برای جدا کردن عبارت توضیحی و تخصیصی. مانند:

در این ناحیه، انواع غلات، به ویژه گندم، کشت می‌شود.

ما، نمایندگان ملت، به قرآن مجید سوگند یاد می‌کنیم که ...

● به جای «واو»، میان کلمات یا جمله‌های هم‌پایه. به جز آخرین «واو» مانند:

از جمله عوارض این دوران می‌توان به ترس از بلندی، تمایل به بی‌نظمی، احساس بیگانگی با افراد جدید و روی آوردن به درون‌گرایی اشاره کرد.

نکته: اگر همپایه‌ها فقط سه تا بود، کاما نگذارید. مانند: پتو و مسواک و حوله بردارید.

می‌آیند، می‌روند، حوایجی دارند، با ما کاری ندارند.

● برای جدا کردن اجزای جملات شرطی:

اگر شب‌ها همه قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی.

● برای جدا کردن اجزای تاریخ یا نشانی. مانند: پنجشنبه، ۱۴ مهر. نشانی: شماره ۱۵، خیابان انقلاب، تهران.